



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

## Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

اعلامیه

لیدن، 27 دسمبر 2008

### ششم جدی، در رابطه با سیه روزی های دیروز و امروز مردم افغانستان!

سانحه شش جدی بمثابة مرحله تکاملی فاجعه هفت ثور، سیاهروز فراموش نشدنی در تاریخ معاصر افغانستان است که وابستگی سیاسی افغانستان را به وابستگی همه جانبه به اتحادشوری سابق وسعت داد. فرارسیدن شش جدی برای آنده از مردم افغانستان که شاهد این سیاه روز بوده اند ویا ازوالدین خود داستان تکاندهنده وغم انگیز آنرا شنیده اند، بیاد آورنام وصدای ببرک کارمل این پیک بی آرم قوای اشغالگر روس است. کارمل بعد از تکیه زدن بر مسند شاه شجاع مسوولیت قتل عام فعالین سیاسی، افراد متنفذ مذهبی واجتماعی وسایر شهروندان افغان طی مرحله نخست فاجعه ثور را به حفیظ الله امین ودرضمن امین را به استخبارات امریکا نسبت دادتا روسیاهی این دوران را از چهره حزب خوداتحاد شوروی سابق بزدايد. درحالیکه قصاب شناخته شده اسدالله سروری رییس آگسا همراه با کارمل دررکاب قوای اشغالگر روس داخل افغانستان گردیده درپست معاونت صدراعظم تقریر یافت. درمورد نقش سروری در شکنجه ها کافیسیت به کتاب خاطرات سلطنتی کشتمند صدراعظم حکومت پوشالی مراجعه کنیم. نقاب عوامفریبی ببرک کارمل مدت کمی بعد از تجاوز نظامی روسها، حین سرکوب خونین تظاهرات ضدروسی منعقدہ سوم حوت 1358 کابل دریده شد وزندان پل چرخي دوباره مملواز وطندوستان افغانستان شد. تعداد زندانیان پل چرخي وسایر زندانهای افغانستان تا زمان تعویض ببرک کارمل با نجیب الله علی الرغم اعدامهای دسته جمعی متواترومرگ ومیرزندانان، قوس صعودی را میپیمود. دستگاه جهنی خاد ومضحکه که بنام "محکمه اختصاصی انقلابی" توسط اشغالگران به تأیید ببرک کارمل خلق شده بود، موازی با چرخش ساعت فعال بوده هرفرد مشکوک به مخالفت با اشغال یا طرفداری از دموکراسی را چون سایه تعقیب نموده به حبس طویل یا اعدام محکوم میکردند. کتابهای نوشته شده توسط جنرالهای روسی که جزء قوای اشغالی بودند حاکی از آنست که کارمل منظمأ از آنها میخواست برای "نابودی بیرحمانه ضدانقلاب" عملیات کنند. این جنرالان نوشته اند که ایشان مناطق معین را باربار بمبارد وازوجود مخالفین تصفیه میکردند ولی کارمل کسی نداشت که حکومت محلی را احیا ومنطقه را حفظ کند. به سلسله همین عملیتهای مکرر بود که حد اقل پنجهزارقریه افغانستان نابود وحد اقل هشت میلیون نفرواداریه ترک افغانستان گردیدند. وقتی روسها از تسلط خویش بر افغانستان مأ یوس شدند ملعبه خویش یعنی حزب دموکراتیک خلق را بر مبنای تعلقات قومی به پارچه ها تقسیم نموده به تنظیمهای مختلف فرستادند. مریدان ببرک کارمل که به ایتلاف شمال پیوسته بودند در تسلیمدی قدرت پیشدستی نموده پلان صلح ملل متحد را ناکام ساختند. این حرکت متعاقباً منتج به تخریب کابل توسط تنظیمها وظهور طالبان گردید. کودتای ننگین هفت ثور، اشغال افغانستان توسط روسها وحکومت پوشالی کارمل-نجیب که بدست اشغالگران ایجاد شد، زمینه ساز وسعتیابی مداخلات سایرکشورهای همسایه ونوگرگیری توسط آنها درکشورما گردیده افغانستان را بمیدان جنگ بین کمونیزم وکاپیتالیزم تبدیل نموده سبب رشد بیسابقه اخوانیت مسلح بمثابة ابزارسیاست خارجی هژمونستی پاکستان در منطقه گردید. بنابراین حزب دموکراتیک خلق ورژیم تحت رهبری آن، زمینه سازوضع ناهنجارسیاسی، اقتصادی، اجتماعی وبشری کنونی کشورما نیز میباشند. اگرچون قدرت و روسپرستی افراطی رهبران حزب دموکراتیک خلق بخصوص ببرک کارمل نمیبود، ثبات سیاسی کشور ما از بین نمیرفت وافغانستان بمیدان همه جنگ های قدرتهای بزرگ وهژمونستیهای منطقه تبدیل نمیشد.

"کمیتة حقوق بشر فارو"